

پژوهشنامه حج و زیارت

سال اول، شماره اول

بهار و تابستان ۱۳۹۵

صفحات: ۱۴۰-۱۲۱

نقش ماه حرام و حَرَم در افزایش دیه شهدای منا از منظر فقه اسلامی

علی شریف^۱

چکیده

شارع مقدس درباره سه مسئله دماء، اعراض و اموال مردم، حساسیت داشته و برای حفظ آن، احکامی وضع نموده که از جمله آنها دیه است و جنبه بازدارندگی از جنایت دارد. مقدار دیه قتل، در شریعت مقدس اسلام، در شرایط خاص، به مقدار یکسوم افزایش می‌یابد و این افزایش، شامل قتل از دحام نیز می‌باشد. به اتفاق آرای فقهای شیعه و به نظر شافعیه و حنابله و برخی صحابه و تابعین از علمای اهل سنت، دیه قتل در ماه‌های حرام، به مقدار یکسوم افزایش می‌یابد. اما درباره دیه قتل در حرم الهی، قول به تغلیظ، مطابق اکثر و مشهور فقهای شیعه و برخی فقهای اهل تسنن مانند شافعیه و حنابله و برخی از صحابه و تابعین ایشان است که همگی، به غیر از شافعیه، آن را به مقدار یکسوم افزایش می‌دهند. اجتماع دو سبب تغلیظ، به نظر مشهور فقهای شیعه و به نظر احمد بن حنبل و تابعین از اهل سنت، باعث تعدد تغلیظ می‌شود.

کلید واژه: شهر حرام، حَرَم، دیه، تغلیظ

۱. سطح سه حوزه علمیه قم (sharif.ali58@gmail.com)

مقدمه

با مطالعه عصر جاهلیت عرب، معلوم می‌شود رسمی به عنوان قانون وجود داشته که بعد از ظهور اسلام، خداوند آن را امضا کرده است. این سنت، عبارت بود از حرمت قتل و غارت در ماه‌های خاصی از سال، به جهت تعظیمی که برای این ماه‌ها قائل بودند (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۱۸۹۵)، و منشأ آن، به دوران حضرت ابراهیم علیه السلام و درخواست ایشان و پاسخ خداوند به وی بر می‌گشت. (ابراهیم: ۳۷؛ مائده: ۹۷) بنابراین، حکمت این تحریم، ایجاد امنیت برای زوار بیت الله الحرام، در طول چهار ماه بوده است. (السهیلی، عبدالرحمان بن عبدالله، بی تا، ج ۱، صص ۲۶ و ۵۹ و ۲۶۲).

میان کتب فقهی، از زمان مرحوم کلینی علیه السلام تاکنون، در بحث دیه قتل، فقها به تفصیل به استنباط آن و بیان موارد تغلیظ دیه پرداخته‌اند. مقاله‌های موجود غالباً تنها به بررسی تغلیظ دیه در ماه‌های حرام پرداخته و مسئله را بیشتر از منظر حقوقی بررسی کرده‌اند. مقاله حاضر، با جمع‌آوری آرا و دسته‌بندی ادله از نگاه مذاهب اسلامی، علاوه بر بررسی حکم تغلیظ دیه در ماه‌های حرام، تلاش می‌کند این حکم را در حرم الهی نیز مورد کنکاش قرار دهد. همچنین حکم دیه اجتماع همزمان قتل در حرم و ماه حرام (چنانچه در روز دهم ذی‌الحجه سال ۱۳۹۴ شمسی در منا اتفاق افتاد و بیش از هفت هزار نفر از حجاج، در اثر ازدحام، شهید شدند) را بررسی کند. البته با توجه به بررسی اقوال فقهای مذاهب اسلامی نسبت به قتل ازدحام، به دست می‌آید که مذهب جعفری، با تفصیل بین موارد لوث (اماره ظنی در انتساب قتل به شخص یا گروه) و عدم آن، دیه قتل ازدحام را در فرض عدم لوث بر عهده بیت‌المال می‌داند.

فقهای دیگر مذاهب در این زمینه اختلاف نظر دارند؛ فقهای حنفی، حنبلی و ظاهری، بدون فرق بین لوث و عدم آن، به پرداخت دیه از بیت‌المال اشاره کرده‌اند. فقهای مالکی، به تبعیت از پیشوای خود، به علت عدم تشخیص قاتل در قتل ازدحام،

خون وی را هدر شمرده‌اند. البته از کلمات برخی از ایشان به دست می‌آید که فتوای پرداخت دیه از بیت‌المال را حسن می‌دانند. شافعی و پیروانش نیز خون قتیل ازدحام در اجتماعات غیر محصور را هدر دانسته و در اجتماعات محصور، در صورت امکان و اجرای قسامه توسط اولیای دم مقتول، دیه را بر عهده اجتماع کنندگان می‌دانند. (درگاهی، دیه قتیل الزحام در فقه فریقین، ۱۳۹۵ش، ص ۶۴)

ماه‌های حرام نزد فقها، لغویون و مورخان عبارت است از چهار ماه رجب، ذوالقعدة، ذوالحجه و محرم و در آن اختلافی نیست. (عاملی، ۱۴۱۰، ج ۱۰، ص ۱۸۲؛ خلیل بن احمد، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۲۲۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۱۲۱). حرّم، در لغت، همان مخفف شده حرام و به معنای ممنوع است (فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۳۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۱۲۱)، و در اصطلاح، به محدوده‌ای گفته می‌شود که مقدّس، مورد احترام و محل امنی برای همه موجودات است. (راغب، ۱۴۱۲، ص ۲۳۰) مراد از حرم الهی، محدوده امنی است که با در برگرفتن کعبه شریف و بخشی از شهر مکه و اطراف آن، از نظر هندسی، شکلی نامنظم دارد. حرم نبوی و ائمه اطهار علیهم‌السلام، اماکن مقدّس دیگری هستند که در مورد آنها احتمال لزوم تغلیظ دیه می‌رود و شایسته است محققان محترم، در جای خود، به آن پردازند. دیه در لغت به معنی خون‌بهاست (خلیل ابن احمد، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۹۹؛ راغب، ۱۴۱۲، ص ۸۶۲؛ طریحی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۴۳۳) و در اصطلاح فقهی، غرامت مالی شرعی‌ای است که در اثر تجاوز غیر مستحقانه به انسان مسلمان، لازم و واجب می‌شود (صدر، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۵۰۱؛ خویی، ۱۴۱۰، ص ۹۵؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۹، ص ۶۰؛ خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۵۳).

تغلیظ به معنای سختگیری و در تنگنا قرار دادن است (خلیل بن احمد، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۳۹۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۴۴۹). و در اصطلاح فقهی، به تناسب فعل مکلف، از قبیل قسم خوردن، زنا در اماکن مقدّس، قتل عمد و... فرق می‌کند (نجفی، ۱۳۷۳، ج ۳۴، ص ۶۱؛ خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۷۸؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۱۹). با مطالعه متون فقهی در باب دیه قتل، درمی‌یابیم، واژه تغلیظ در قتل خطای محض و خطای شبه عمد در

حَرَم و ماه‌های حرام، به معنای شدت و افزایش دیه به مقدار یک‌سوم، از هر نوع دیه است (حلی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۵۶۲؛ عاملی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۴۹۷). و تغلیظ دیه در قتل عمد، به معنای افزایش در وصف یا سن یا زمان استیفاءی دیه است (حلی، ۱۴۱۰، ص ۴۴۰). البته در قتل عمدی که قصاص دارد، ولی دم، بین قصاص و اخذ دیه کامل یا بیش از آن و بخشش، مخیر است (خویی، ابوالقاسم، بی تا، ج ۴۲، ص ۲۲۹).

تغلیظ دیه در ماه‌های حرام و حرم الهی

اقوال فقها

با مطالعه و بررسی کلمات فقهای شیعه و سنی، به دست می‌آید که بیشتر فقهای شیعه و برخی فقهای اهل تسنن، مانند شافعیه و حنابله و برخی از صحابه و تابعین ایشان، دیه جنایت را در ماه‌های حرام و حرم الهی به مقدار یک‌سوم افزایش می‌دهند. بین فقهای شیعه، نسبت به ماه حرام، مخالفی یافت نشد. (طباطبائی، ۱۴۱۸، ج ۱۶، ص ۳۵۷؛ خویی، بی تا، ج ۴۲، ص ۲۴۷). اما برخی (علامه حلی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۴۰۴) نسبت به حرم الهی، توقف کرده و عده‌ای (خویی، بی تا، ج ۴۲، ص ۲۵۲) به سبب عدم وجود دلیل معتبر نسبت به آن، دیدگاه عدم تغلیظ را برگزیده‌اند. می‌توان عبارات فقهای امامیه را به چند دسته تقسیم کرد:

الف) برخی بدون تعرض به تحقق اجماع و عدم خلاف و شهرت و اکثریت در مسأله، قائلند که در ماه‌های حرام و حرم الهی، دیه جنایت به مقدار ثلث، افزایش می‌یابد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۴۰؛ قمی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۰۷؛ سلار، ۱۴۰۴، ص ۲۳۶؛ مفید، ۱۴۱۳، ص ۷۴۳؛ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۱۱۶؛ طوسی، ۱۴۰۸، ص ۴۴۰؛ طوسی، ۱۴۰۰، ص ۷۵۶؛ قاضی، ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۵۱۶؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۵۱۶؛ حلبی، ۱۴۱۷، ص ۴۱۴؛ حلی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۵۶۲؛ عاملی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۴۹۷؛ صیمری و...)

ب) و برخی فقها این حکم را موافق اکثر دانسته‌اند (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۱۱، ص ۳۱۴).

ج) و برخی فقها آن را موافق مشهور دانسته‌اند. (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۴، ص ۳۱۸).
 د) و برخی فقها آن را مطابق اجماع دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۲۲؛ حلی، ۱۴۱۷، ص ۴۱۴؛ صیمری، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۴۲۱؛ نجفی، ۱۳۷۳، ج ۴۳، ص ۲۶؛ حلی، ۱۴۱۰، ص ۴۴۰؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۹، ص ۸۶)، البته در مقابل، عده‌ای از فقها (حلی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۴۰۴) نسبت به حرم الهی توقف کرده و عده‌ای (خویی، بی‌تا، ج ۴۲، ص ۲۵۲) قول عدم تغلیظ را برگزیده‌اند.
 ه) و برخی فقها نسبت به ماه حرام، نظر خود را به همراه ادعای عدم وجدان مخالف ذکر کرده‌اند (نجفی، ۱۳۷۳، ج ۴۳، ص ۲۶؛ خویی، بی‌تا، ج ۴۲، ص ۲۴۷).
 علمای عامه نسبت به تغلیظ دیه جنایت در ماه‌های حرام و حرم الهی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف) قائلین به تغلیظ در مقدار دیه، مانند احمد بن حنبل.

ب) قائلین به تغلیظ در وصف دیه، مانند شافعیه.

ج) قائلین به عدم تغلیظ مطلقا، مانند مالک و ابوحنیفه.

از بین صحابه عده‌ای همچون عمر، عثمان و ابن عباس و از بین تابعین عده‌ای مانند سعید بن مسیب، سعید بن جبیر، عطاء، طاوس، الزهری، مجاهد، سلیمان بن یسار، جابر بن زید، قتاده، عکرمه، اوزاعی و... قائل به تغلیظ‌اند که غالب ایشان آن را به زیادی در مقدار و برخی به زیادی در وصف و برخی مطلق بیان کرده‌اند (الصنعانی عبدالرزاق، بی‌تا، ج ۹ صص ۲۹۸ و ۲۹۹؛ عبدالرحمان بن قدامه، بی‌تا، ج ۹، ص ۵۵۲؛ القرطبی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۲۱۵؛ البیهقی، بی‌تا، ج ۸، ص ۷۰؛ النووی، بی‌تا، ج ۱۹، صص ۴۱ و ۴۵؛ فهمی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۲۱۳؛ مالک بن انس، بی‌تا، ج ۵، ص ۳۱۰؛ ابن قدامه، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۵۹). از بین تابعین، حسن و نخعی و شعبی و ابن منذر قائل به عدم تغلیظ‌اند (عبدالرحمان بن قدامه، بی‌تا، ج ۹، ص ۵۵۲؛ ابن قدامه، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۵۹).

عمر بن خطاب می‌گوید: «هر کس در حرم یا ماه‌های حرام مرتکب قتل شود،

یا یکی از ارحام خود را به قتل رساند، دیه کامل و ثلث دیه را باید پرداخت کند». (الصنعانی عبدالرزاق، بی تا، ج ۹، ص ۳۰۱؛ النووی، بی تا، ج ۱۹، ص ۴۱؛ البیهقی، بی تا، ج ۸، ص ۷۰).

شافعیه می گویند: «قتل در حرم الهی و ماه های حرام، موجب تغلیظ دیه در صفت و سن دیه (شتر و...) می شود؛ یعنی دیه قتل عمد را که افزایش در سن شتر است، برای قتل خطا در حرم یا ماه حرام لازم می دانند. (النووی، بی تا، ج ۱۹، ص ۴۵؛ الشافعی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، صص ۱۲۲ و ۱۴۷؛ عبدالرحمان بن قدامه، بی تا، ج ۹، ص ۵۵۲؛ ابن قدامه، بی تا، ج ۱۹، ص ۵۹).

احمد بن حنبل می گوید: قتل محرم در حرم و ماه های حرام، دیه را به مقدار ثلث افزایش می دهد (عبدالرحمن بن قدامه، بی تا، ج ۹، ص ۵۵۲؛ ابن قدامه، بی تا، ج ۱۹، ص ۵۹؛ المرادوی، بی تا، ج ۱۵، ص ۱۸۴؛ فهمی، بی تا، ج ۱۵، ص ۲۱۳؛ النووی، بی تا، ج ۱۹، ص ۴۵).

مالک و ابوحنیفه دیه قتل را در ماه حرام و حرم، مغلظ نمی دانند. البته مالک در قتل پسر توسط پدر یا جد، آن را مغلظ دانسته و تغلیظ را نیز در صفت می داند؛ یعنی دیه آن مانند دیه قتل عمد است [مالک بن انس، بی تا، ج ۵، ص ۳۱۰؛ مالک بن انس، بی تا، ج ۴، ص ۵۵۸؛ القرطبی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۲۱۵؛ فهمی، بی تا، ج ۱۵، ص ۲۱۳؛ عبدالرحمان ابن قدامه، بی تا، ج ۹، صص ۵۵۲ و ۵۵۳).

ادله عدم تغلیظ

اصل براءت

ظاهر ادله دیات، نسبت به همه زمان ها و مکان ها یکسان است. بنابراین برای تکلیف زائد، نیاز به دلیل مخصص است که در صورت شک براءت آن را بر می دارد. از میان شیعیان عده ای (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۱۱، ص ۳۱۵؛ عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۳۲۰؛ تبریزی، ۱۴۲۸، ص ۳۳) نسبت به حرم الهی فقط، و از میان اهل سنت، مالک

و ابوحنیفه نسبت به ماه حرام و حرم الهی، با تمسک به برائت، دیده را از مکلف بر می‌دارند. همچنین می‌گویند: «تغلیظ در عملی که از روی خطا انجام شده، از اصول شرع بعید است». (القرطبی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۲۱۵؛ عبدالرحمن بن قدامه، بی‌تا، ج ۹، ص ۵۵۴؛ ابن قدامه، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۶۱).

ادله تغلیظ

اجماع

برخی به اجماع تمسک کرده‌اند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۲۲؛ حلبی، ۱۴۱۷، ص ۴۱۴؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۹، ص ۸۶؛ نجفی، ۱۳۷۳، ج ۴۳، ص ۲۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۶، ص ۳۵۷) و برخی به آن اشکال کرده‌اند که در اجماع محصل، اولاً شرط تحصیل اجماع، احراز اتفاق نظر همه فقهای شیعه است که به دلیل در دست نبودن همه کتب و نظریات ایشان، میسر نیست. آقای خوبی می‌گوید: «به دلیل توقف امثال محقق و فاضل و مقداد و... در این مسأله، اجماع ثابت نیست» (خوبی، بی‌تا، ج ۴۲، ص ۲۵۲) و ثانیاً با توجه به روایاتی که خواهد آمد، اجماع، مدرکی و بی‌فایده است. در اجماع منقول نیز اولاً اشکال مدرکی بودن وارد است و ثانیاً به گفته محقق خراسانی رحمته الله علیه اگر نقل اجماع فقها به معنای نقل فتاوی همه آنها باشد، که نقل سبب است، و با توجه به ثقه بودن ناقل، همه فتاوا ثابت می‌شوند و این کاشف از قول معصوم می‌شود و حجّت است. (خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۲۸۸). ولی اکثر اجماع‌های منقول از باب حدس است. بنابراین تا وقتی که احراز نکنیم نقل سبب مستند به حسّ است، اجماع منقول حجّیتی نخواهد داشت. (خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۲۸۹).

سنت

روایات شیعه

روایاتی که فقهای شیعه به آن تمسک کرده و افزایش دیده را در ماه‌های حرام اثبات کرده‌اند، دو روایت است:

صحیحہ کلیب

قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُقْتَلُ فِي الشَّهْرِ الْحَرَامِ مَا دِيَّتُهُ قَالَ دِيَّةٌ وَ ثُلُثٌ
(کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۸۱؛ قمی، ۱۴۱۳، ج ۴، صص ۹۷ و ۱۰۷؛ طوسی، ۱۴۰۷،
ج ۱۰، ص ۲۱۵).

دیه کسی که در ماه حرام کشته شود، دیه کامل بعلاوه ثلث دیه است.

همان‌طور که بسیاری از فقها (قمی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۰۷؛ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۷،
ص ۱۱۶؛ صیمری، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۴۲۱؛ اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۴، ص ۳۱۸؛ نجفی، ۱۳۷۳،
ج ۴۳، ص ۲۶؛ خویی، بی‌تا، ج ۴۲، ص ۲۴۷؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۹، ص ۸۶؛ تبریزی،
۱۴۲۸، ص ۳) به این روایت تمسک کرده‌اند، منطوق روایت در افزایش دیه قتل در
ماه‌های حرام، به میزان یک‌سوم صراحت دارد.

معتبره زراره

قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ رَجُلٍ قَتَلَ رَجُلًا خَطَأً فِي أَشْهُرِ الْحَرَمِ قَالَ عَلَيْهِ الدِّيَّةُ وَ
صَوْمُ شَهْرَيْنِ مُتَّابِعَيْنِ مِنْ أَشْهُرِ الْحَرَمِ قُلْتُ إِنَّ هَذَا يَدْخُلُ فِيهِ الْعِيدُ وَ أَيَّامُ الشَّرِيقِ
فَقَالَ يَصُومُهُ فَإِنَّهُ حَقٌّ لِرَمَّةٍ وَ فِي رِوَايَةٍ أَبَانَ عَنِ زُرَّارَةَ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَلَيْهِ دِيَّةٌ وَ
ثُلُثٌ (قمی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۱۰).

زراره از حضرت امام باقر عليه السلام درباره کسی که در ماه‌های حرام مرتکب قتل
خطأی شده است، سؤال می‌کند و حضرت در جواب می‌فرمایند: «دیه و ثلث آن بر
گردن او است».

اگر مراد از ابان در سند روایت، ابان بن عثمان باشد، روایت موثقه می‌شود زیرا
ناووسی است، و اگر مراد ابان بن تغلب باشد صحیحه می‌شود چون دوازده‌امامی
است. همان‌طور که به وضوح، از ظاهر روایت فهمیده می‌شود و فقها به آن فتوا
داده‌اند، معنای روایت لزوم پرداخت دیه و ثلث آن از طرف قاتل است.
و روایاتی که مستند شیعیان در مورد حرم الهی است، دو روایت است:

صحیحہ زرارہ

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلٌ قَتَلَ رَجُلًا فِي الْحَرَمِ قَالَ عَلَيْهِ دِيَةٌ وَ ثُلُثٌ وَ بِصُومِ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ أَشْهُرِ الْحَرَمِ وَ يُعْتَقُ رَقَبَةً وَ يُطْعَمُ سِتِّينَ مَسْكِينًا قَالَ قُلْتُ يَدْخُلُ فِي هَذَا شَيْءٌ قَالَ وَ مَا يَدْخُلُ قُلْتُ الْعِيدَانِ وَ أَيَّامُ التَّشْرِيقِ قَالَ بِصُومِهِ فَإِنَّهُ حَقٌّ لِرَمَّةٍ (كلینی،

۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۴۰).

زراره می گوید از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره مردی که مرد دیگری را در حرم به قتل رسانده بود، سؤال کردم، حضرت فرمود: «دیه و ثلث بر گردن قاتل است و باید دو ماه پشت سرهم از ماه‌های حرام را روزه بگیرد و یک بنده آزاد کند و نیز شصت مسکین را اطعام کند». می گوید به حضرت گفتم: «در روزه این دو ماه، دو عید و ایام تشریق قرار دارد؟» حضرت فرمود: «باید آنها را روزه بگیرد؛ چون حقی است که بر گردنش آمده است».

موثقه زرارہ

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رَجُلٍ قَتَلَ فِي الْحَرَمِ قَالَ عَلَيْهِ دِيَةٌ وَ ثُلُثٌ وَ بِصُومِ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ أَشْهُرِ الْحَرَمِ قَالَ قُلْتُ هَذَا يَدْخُلُ فِيهِ الْعِيدُ وَ أَيَّامُ التَّشْرِيقِ قَالَ فَقَالَ بِصُومِهِ فَإِنَّهُ حَقٌّ لِرَمَّةٍ (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۲۱۶).

زراره می گوید از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره مردی که کسی را در حرم به قتل رسانده بود، سؤال کردم، حضرت فرمود: «دیه و ثلث بر گردن قاتل است و باید دو ماه پشت سرهم از ماه‌های حرام را روزه بگیرد». می گوید به حضرت گفتم: «در روزه این دو ماه، عید و ایام تشریق قرار دارد؟» حضرت فرمود: «باید آنها را روزه بگیرد؛ چون حقی است که بر گردنش آمده است».

با بررسی کلمات فقها، به دست می آید که راجع به این دو روایت، دو نظر وجود دارد: اول: عده‌ای دلالت هر دو روایت را بر مدعا تمام می‌دانند (طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۶، ص ۳۵۸). دوم: برخی بر این باورند که هر دو روایت دارای اشکال

است. بنابراین دلیلی بر تغلیظ نداریم. (خویی، بی تا، ج ۴۲، ص ۲۵۲؛ قمی، بی تا، ج ۲۶، ص ۱۹۲). به نظر ایشان، روایت اول، هم از جهت سندی مشکل دارد و هم از جهت دلالتی و روایت دوم تنها از جهت دلالتی. در سند روایت اول، ابن ابی عمیر از ابان بن تغلب نقل روایت می کند، حال آنکه بین آن دو فاصله زمانی وجود دارد. (طوسی، ۱۴۲۷، ص ۱۰۹) بنابراین روایت مرسل می شود و اشکال دلالتی آن این است که مشتمل بر لفظ عیدان است. حال آنکه در ماه های حرام، یک عید بیشتر وجود ندارد و نیز (عاملی، ۱۴۱۱، ج ۶، ص ۲۵۶) روزه روز عید قربان از روزه های حرام است. روایت دوم طبق نظر ایشان، گرچه سنداً مشکلی ندارد، اما از جهت دلالتی، احتمال قوی وجود دارد لفظ «حُرْم» با ضمه حاء و راء باشد. در نتیجه به معنای ماه های حرام است، نه حَرَم.

مؤید این مطلب، کلام صاحب جواهر است که می گوید: «نسخه معتبری از کافی نزد من است که در آن، حرم، به ضمه حاء و راء، اعراب گذاری شده است». (نجفی، ۱۳۷۳، ج ۴۳، ص ۲۷). برخی (مدنی کاشانی، ۱۴۰۸، ص ۲۵) در جواب می گویند:

اولاً به شهادت کتب تراجم، ابن ابی عمیر می توانسته از ابان بن تغلب روایت کند؛

ثانیاً بر فرض مرسل شدن، مرسلات ابن ابی عمیر مسند و حجت است؛

ثالثاً نسبت به اشکال لفظ «عیدان»، ممکن است مراد سائل، حرمت روزه عید قربان و فطر به طور کلی باشد، نه خصوص ماه حرام. همچنین اشکال به یک فقره از روایت، موجب سقوط تمام فقرات آن نمی شود. همچنین ممکن است از ناحیه ناسخ، سهوی رخ داده باشد؛

رابعاً احتمال وجود ضمه در حاء و راء، در واژه «حرم» خیلی بعید است و الا می فرمود: «فی الأشهر الحُرْم»، زیرا «الحُرْم»، بدون موصوف استعمال نمی شود و اگر استعمال شود، این معنا را نمی دهد؛

خامساً اینکه یک نسخه خطی در دست صاحب جواهر، با ضمه حاء و راء باشد، دلیل نمی شود که در واقع روایت چنین بوده. مرحوم سبزواری نیز می گوید: «حُرْم

با ضمتین اعم از زمان و مکان است و شاهد آن، آیه شریفه ﴿مَنْ يُعَظِّمْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ﴾ (حج ۳۰) است. پس کلام مستشکلین صرف ادعاست» (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۹، ص ۸۷).

درباره اشکال حرمت روزه در عید قربان برخی (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۲۱۲؛ خویی، بی تا، ج ۲۲، ص ۲۷۵) جواب داده، می‌گویند: «مخالفت این روایت، با عمومیت اجماع و احادیث مانعه، گرچه کثیر یا متواتر باشند، مانعی ندارد و باعث تخصیص آنها می‌شود».

روایات اهل سنت

در بین اهل سنت، قائلان به تغلیظ دیه در ماه حرام و حرم، مانند شافعیه و حنابله، به روایاتی از صحابه و تابعین، من جمله عمر و ابن عباس و عثمان و عبدالله بن عمر تمسک کرده‌اند (القرطبی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۲۱۵؛ الصنعانی عبدالرزاق، بی تا، ج ۹، صص ۲۹۸ و ۲۹۹ و ۳۰۱؛ النووی، بی تا، ج ۱۹، صص ۴۱ و ۴۵؛ البیهقی، بی تا، ج ۸، ص ۷۰؛ فهمی، بی تا، ج ۱۵، ص ۲۱۳؛ مالک بن انس، بی تا، ج ۵، ص ۳۱۰؛ ابن قدامه، بی تا، ج ۱۹، ص ۵۹). عمر دیه جنایت را معادل دوازده هزار درهم دانسته، می‌گوید: «ثلث این مقدار در ماه حرام اضافه می‌شود». (البیهقی، بی تا، ج ۸، ص ۷۰). و نیز می‌گوید: «هر کس در حرم یا ماه‌های حرام مرتکب قتل شود، یا یکی از ارحام خود را به قتل رساند، دیه کامل و ثلث آن را باید پرداخت کند». (الصنعانی عبدالرزاق، بی تا، ج ۹، ص ۳۰۱؛ النووی، بی تا، ج ۱۹، ص ۴۱؛ البیهقی، بی تا، ج ۸، ص ۷۰). عثمان در قضاوتش دیه قتل یک زن در حرم را هشت هزار قرار داد، که شش هزار آن به جهت دیه و دو هزار به جهت حرم بود. (النووی، بی تا، ج ۱۹، ص ۴۱؛ البیهقی، بی تا، ج ۸، ص ۷۰). ابن عباس دیه قتل مردی در حرم و ماه حرام را بیست هزار قرار داد که دوازده هزار آن را به جهت اصل دیه و چهار هزار آن را به جهت ماه حرام و چهار هزار آن را به جهت حرم قرار داد. (النووی، بی تا، ج ۱۹، ص ۴۱؛ البیهقی، بی تا، ج ۸، ص ۷۰).

بژوهشنامه حج و زیارت

مؤید

برخی (القرطبی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۲۱۵) تعظیم حَرَم الهی و حرمت صید حیوانات آن را یک قاعده عمومی می‌دانند که موافق تغلیظ است.

اجتماع همزمان قتل در ماه حرام و حَرَم

در فرض اجتماع همزمان قتل در حرم و ماه حرام (چنانچه در روز دهم ذی‌الحجه سال ۱۳۹۴ شمسی در منا اتفاق افتاد و بیش از هفت هزار نفر از حجاج شهید شدند) آیا تغلیظ متعدد می‌شود یا نه؟

اقوال

میان شیعیان، برخی (حلی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۴۰۴) در مسئله توقف کرده و برخی (نجفی، ۱۳۷۳، ج ۴۳، ص ۲۹) دیدگاه تعدد را برگزیده‌اند و برخی (عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۳۲۱؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۱۱، ص ۳۱۵؛ عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۳۶۴) قائل به عدم تعدد شده‌اند. میان اهل سنت نیز برخی مانند احمد بن حنبل و تابعین از روات، قائل به تعدد تغلیظ دیه (عبدالرحمن بن قدامه، بی‌تا، ج ۹، ص ۵۵۲؛ ابن قدامه، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۵۹؛ المرادوی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۱۸۴؛ فهمی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۲۱۳؛ النووی، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۴۵) و عدّه‌ای مانند شافعیه قائل به عدم تعددند (النووی، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۴۵؛ الشافعی، ۱۴۰۳، ج ۶، صص ۱۲۲ و ۱۴۷؛ عبدالرحمن بن قدامه، بی‌تا، ج ۹، ص ۵۵۲؛ ابن قدامه، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۵۹).

ادله عدم تعدد

برائت

عدّه‌ای (عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۳۲۱؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۱۱، ص ۳۱۵؛ عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۳۶۴) با تمسک به اصالة البرائت، تغلیظ دوم را نفی می‌کنند، زیرا اصل لفظی عدم تداخل، در تعارض با اصل برائت توان مقاومت ندارد و کنار می‌رود. برخی (نجفی، ۱۳۷۳، ج ۴۳، ص ۲۹) اشکال کرده‌اند که تا زمانی که دلیل لفظی داریم، نوبت به اصل عملی نمی‌رسد. بنابراین اصالت عدم تداخل که ظهور لفظی الفاظ روایات است، موضوع برائت را بر می‌دارد و مقدم است.

ادله تعدد

اصالت عدم تداخل اسباب و مسببات

در کتب اصولی، ذیل مسئله تداخل و عدم تداخل اسباب و مسببات، اصولیون اصل اولی در هنگام شک را عدم تداخل اسباب و مسببات می‌دانند (انصاری، ۱۳۸۳، ص ۱۷۵؛ مظفر، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۱۸؛ خمینی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۰۴). یعنی در صورتی که قتلی همزمان در حرم و ماه حرام اتفاق بیفتد، ظاهر روایات، طبق این قاعده لفظی، این است که هر کدام سبب مستقلی برای وجوب افزایش دیه می‌باشند. همچنین هنگام شک در تداخل مسببات، یعنی شک در کفایت یک‌بار امتثال، و پرداخت یک ثلث دیه، اصل احتیاط جاری است و اشتغال یقینی، به وجوب دو تغلیظ در ذمه مکلف، مستلزم پرداخت دو ثلث است.

سنت

دلیل فائلین به تعدد تغلیظ در بین اهل سنت، روایات موجود در کتب روایی شان است. ابن عباس، دیه قتل در حرم و ماه حرام را بیست هزار قرار داد که دوازده هزار آن را به جهت اصل دیه و چهار هزار آن را به جهت ماه حرام و چهار هزار آن را به جهت حرم قرار داد. (النووی، ۶۷۶، ج ۱۹، ص ۴۱؛ البیهقی، بی تا، ج ۸، ص ۷۰).

نتیجه‌گیری

به اتفاق آرای فقهای شیعه، به استناد دو روایت معتبره در ماه‌های حرام و به نظر اکثر و مشهور فقهای شیعه، به استناد روایت محتمل الوجیهین در حرم، دیه قتل در ماه‌های حرام و حرم الهی، به مقدار یک‌سوم افزایش می‌یابد. شافعیه و حنابله و برخی صحابه و تابعین از اهل سنت، به استناد روایات وارده، همگی به غیر از شافعیه - که افزایش را در وصف و سن دیه می‌دانند - مقدار دیه را یک‌سوم افزایش می‌دهند. اجتماع دو سبب تغلیظ، به نظر مشهور فقهای شیعه، با تمسک به اصل لفظی و به نظر احمد بن حنبل و تابعین از اهل سنت، به علت روایت وارده، باعث تعدد تغلیظ می‌شود.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، (۱۴۰۹ق) کفایة الأصول، قم، مؤسسة آل البيت علیه السلام، چاپ اول.
۲. ابن رشد القرطبی، محمد بن احمد، (۱۴۱۵)، بدایة المجتهد، به کوشش خالد العطار، بیروت، دارالفکر.
۳. ابن قدامه، عبدالرحمان بن قدامه، الشرح الكبير، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۴. ابن قدامه المقدسی، عبدالله بن أحمد أبو محمد، (۱۴۰۵ق) المغنی، بیروت، دار الفکر، چاپ اول.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴) لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ سوم.
۶. انصاری، مرتضی بن محمد امین، (۱۳۸۳ش) مطارح الأنظار (طبع جدید)، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چاپ دوم.
۷. بحرانی، محمد سند، (۱۴۱۳ق)، سند العروة الوثقی، صلاة المسافر، قم، مکتبه الداوری، چاپ اول.
۸. البیهقی، احمد بن الحسین، السنن الکبری، دار الفکر، (بی تا)، بی جا.
۹. تبریزی، جواد بن علی، (۱۴۲۸ق)، تنقیح مبانی الأحکام، قم، دار الصدیقه

الشهيدة عليها السلام، چاپ اول.

۱۰. جزرى ابن اثير، مبارك بن محمد، (بى تا)، النهاية فى غريب الحديث و الأثر، قم، مؤسسه مطبوعاتى اسماعيليان، چاپ اول.

۱۱. حسيني حلبى (ابن زهره)، حمزة بن على، (۱۴۱۷ق) غنية النزوع إلى علمى الأصول و الفروع، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام، چاپ اول.

۱۲. حلى، جمال الدين احمد بن محمد، (۱۴۱۰ق) المقتصر من شرح المختصر، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية، چاپ اول.

۱۳. الخثعمى السهيلي، أبو القاسم عبد الرحمان بن عبدالله بن احمد بن اصيغ، الروض الانف، (بى تا)، بى نا، بى جا.

۱۴. خويى، سيد ابوالقاسم، (بى تا) موسوعة الإمام الخوئى، مؤسسه احياى آثار امام خويى، بى جا.

۱۵. ———، (۱۴۱۰ق)، تكملة المنهاج، قم، نشر مدينة العلم.

۱۶. راغب اصفهانى، حسين بن محمد، (۱۴۱۲ق) المفردات فى غريب القرآن، بيروت و دمشق، الدار العلم و الدار الشامية، چاپ اول.

۱۷. سبزوارى، سيد عبدالأعلى، (۱۴۱۳ق) مهذب الأحكام فى بيان الحلال و الحرام، قم، مؤسسه المنار، دفتر آية الله سبزوارى، چاپ چهارم.

۱۸. سألر ديلمى، حمزة بن عبدالعزيز، (۱۴۰۴ق) المراسم العلوية و الأحكام النبوية فى الفقه الإمامية، قم، منشورات الحرمين، چاپ اول.

۱۹. الشافعى، محمد بن ادريس، (۱۴۰۳ق) الام، بيروت، دار الفكر.

۲۰. شيخ صدوق، محمد بن على بن بابويه (۱۴۱۵ق) المقنع، قم، مؤسسه امام هادى عليه السلام، اول.

۲۱. ———، (۱۴۱۳ق) من لا يحضره الفقيه، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ دوم.

۲۲. صيمرى، مفلح بن حسن، (۱۴۲۰ق) غاية المرام فى شرح شرائع الإسلام،

- بیروت، دار الہادی، چاپ اول.
۲۳. صدر، سید محمد، (۱۴۲۰ق) **ما وراء الفقه**، بیروت، دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزيع، چاپ اول.
۲۴. الصنعانی عبدالرزاق، **المصنّف**، به کوشش حبیب الرحمان، المجلس العلمی.
۲۵. طباطبائی، سید علی بن محمد بن ابی معاذ، (۱۴۱۸ق) **ریاض المسائل فی تحقیق الأحكام**، محمد بهره مند، محسن قدیری، کریم انصاری، علی مروارید، قم، مؤسسه آل البيت (علیہ السلام)، چاپ اول.
۲۶. طرابلسی، ابن براج قاضی، عبدالعزیز بن نحیر، (۱۴۰۶ق) **المهذّب**، جمعی از محققین و مصحّحین تحت إشراف شیخ جعفر سبحانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۲۷. طریحی، فخرالدین، (۱۴۱۶ق) **مجمع البحرین**، سید احمد حسینی، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم.
۲۸. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، (۱۳۸۷ق) **المبسوط فی فقه الإمامیه**، سید محمد تقی کشفی، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، چاپ سوم.
۲۹. _____، (۱۴۰۰ق) **النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوى**، بیروت، دار الكتاب العربی، چاپ دوم.
۳۰. _____، (۱۴۰۷ق) **الخلافة**، شیخ علی خراسانی، سید جواد شهرستانی، شیخ مهدی طه نجف، شیخ مجتبی عراقی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۳۱. _____، (۱۴۰۷ق) **تهذیب الأحكام**، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم.
۳۲. _____، (۱۴۲۷ق) **رجال الشیخ الطوسی**، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم.

٣٣. طوسی، محمد بن علی بن حمزه (ابن حمزه)، (١٤٠٨ق) الوسيلة الى نيل الفضيلة، قم، کتابخانه مرعشی، چاپ اول.
٣٤. عاملی، جواد بن محمد حسینی، (١٤١٩ق) مفتاح الكرامه فی شرح قواعد العلامة، شیخ محمداقر خالصی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
٣٥. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، (١٤١٠ق) مكتبة الداوری، قم، چاپ اول.
٣٦. —، مسالك الافهام الى تنقيح شرايع الاسلام، (١٤١٣ق) قم، مؤسسة المعارف الإسلامية.
٣٧. عاملی، محمد بن علی موسوی، (١٤١١ق) مدارك الأحكام فی شرح عبادات شرايع الإسلام، گروه پژوهش مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، بیروت، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول.
٣٨. عاملی، محمد بن مکی، (١٤١٤ق) غاية المراد فی شرح نکت الإرشاد، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
٣٩. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، (١٤٢٠ق) تحریر الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية، قم، مؤسسه امام صادق (علیهم السلام)، چاپ اول.
٤٠. فاضل هندی، محمد بن حسن، (١٤١٦ق) كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
٤١. فراهیدی، خلیل بن احمد، (١٤١٠ق) کتاب العین، منشورات الهجرة، قم، چاپ دوم.
٤٢. فهمی المصری، محمود، (بی تا) البحر الزاخر، بی نا، بی جا.
٤٣. فیض کاشانی، محمد محسن (١٤٠٦ق) الوافی، ضیاءالدین حسینی اصفهانی، اصفهان، کتابخانه الامام امیر المؤمنین (علیهم السلام)، چاپ اول.

۴۴. _____، (۱۴۰۱ق) مفاتيح الشرايع، قم، مجمع الذخائر الاسلاميه، چاپ اول.
۴۵. فيومى مقرى، احمد بن محمد، (بى تا) المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير، قم، منشورات دار الرضى، چاپ اول.
۴۶. قمى، سيد صادق حسيني روحانى (بى تا) فقه الصادق عليه السلام، بى تا، بى جا.
۴۷. كلينى، ابوجعفر محمد بن يعقوب (۱۴۰۷ق) الكافى، تهران، دار الكتب الإسلاميه، چاپ چهارم.
۴۸. مالک بن انس، (بى تا) موطا مالک، بى تا، بى جا.
۴۹. _____، المدونة الكبرى، مصر، مطبعة السعاده.
۵۰. مجلسى، محمداقرب بن محمدتقى، (۱۴۰۶ق) ملاذ الأخيار فى فهم تهذيب الأخبار، قم، كتابخانه آية الله مرعشى نجفى عليه السلام، چاپ اول.
۵۱. _____، (۱۴۰۴ق) مرآة العقول فى شرح أخبار آل الرسول، تهران، دار الكتب الإسلاميه.
۵۲. محقق حلى، نجم الدين جعفر بن حسن، (۱۴۱۲ق) نكت النهاية النهاية و نكتها، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علميه قم، چاپ اول.
۵۳. مدنى كاشانى، حاج آقا رضا، (۱۴۰۸ق) كتاب الديات، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علميه قم، چاپ اول.
۵۴. المرادوى الحنبلى، علاء الدين أبو الحسن على بن سليمان، الانصاف فى معرفة الراجح من الخلاف، به كوشش محمد حامد، بيروت، دار احياء التراث العربى.
۵۵. مشكينى، ميرزا على، (بى تا) مصطلحات الفقه، بى تا، بى جا.
۵۶. مظفر، محمدرضا، (۱۳۸۷ش) أصول الفقه، قم، بوستان كتاب (انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم)، چاپ پنجم.

۵۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ق) المقنعه، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول.

۵۸. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، (۱۴۰۳ق) مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، آقا مجتبی عراقی، شیخ علی پناه اشتهاودی، آقا حسین یزدی اصفهانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.

۵۹. موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۴۱۸ق) تنقیح الأصول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چاپ اول.

۶۰. _____، (بی تا) تحریر الوسيله، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم، چاپ اول.

۶۱. نجفی، محمد حسن بن باقر، (۱۳۷۳ش) جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.

۶۲. النووی، أبوزکریا محیی الدین، یحیی بن شرف، المجموع شرح المذهب، دار الفکر.

۶۳. واسطی زبیدی حنفی، محب الدین، سید محمد مرتضی، (۱۴۱۴ق) تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ اول.

نشریات

۱. درگاهی، مهدی، (۱۳۹۵ش) «مقاله دیه قتیل الزحام در فقه فریقین»، میقات حج، شماره ۹۳، مشعر، قم.

۲. معرفت، محمد هادی، (بی تا) «مقاله تغلیظ دیه و جنایت عمد در ماه‌های حرام»، ماهنامه دادرسی، بی نا، بی جا.

